

سیمای رجعت کنندگان از منظر آیات و روایات

فرگس میرزایی

چکیده

رجعت به معنای بازگشت گروهی از مردگان به این جهان همزمان با قیام جهانی حضرت مهدی (عج) است. هدف و فلسفه رجعت آن است که خداوند می‌خواهد با رجوع این دو دسته (مومنین ناب و کافران محض) از انسانها از سویی نعمت دنیوی را بر مؤمنین تمام کند، و مؤمنانی که در حد عالی ایمان قرار گرفته‌اند برگردند و لذت ایمان خود را بچشند.

کافران محض نیز بازگردند و ذلت حاصله از کفر خود را احساس نمایند و خداوند می‌خواهد عظمت خود را قبل از قیامت به انسان بنمایاند.

برای اثبات رجعت دلایل بسیار محکمی وجود دارد از جمله دلایل عقلی که بیان میکند وقتی انسان به دنیا می‌آید روح به بدن آن تعلق گرفته است و این تعلق روح به بدن امری ممکن است و اگر ممکن نمی‌بود در اول، امر تعلق به بدن نمی‌گرفت و وقتی ممکن شد محال نیست لذا محال نیست بار دیگر نیز روح به جسم تعلق بگیرد و همچنین دلایل نقلی (روایات و آیات قرآن کریم) می‌باشد و داستانهایی که در مورد زنده شدن افراد در اقوام و زمانهای گذشته بیان شده همگی سندی محکم در اثبات این واقعه می‌باشد.

کلید واژه: بازگشت به سوی دنیا، رجعت، عودت

مقدمه

یکی از مباحثی که از دیرباز پیرامون آن سخن گفته شده است و پیوسته مورد نقد و ایراد از یک سو و پاسخگویی و دفاع از سوی دیگر بوده مبحث رجعت است. بدین معنی که برخی از آیات قرآن شریف و روایات منقول از خاندان رسالت از بازگشت گروهی از انسان‌ها به دنیا پیش از برپایی رستاخیز گزارش می‌دهند و پیروان آیین تشیع نیز در پذیرش آن کمترین تردید به خود راه نداده‌اند و در صورت لزوم به دلایل و شواهدی بر صحت آن اشاره کرده‌اند.

از نظر لغوی و اصطلاحی معانی متفاوتی برای رجعت بیان شده است اعم از بازگشت به سوی اعمال خوب یا بد همچنین بازگشت در مورد وقایع و رخدادهای زمانی و تاریخی که به صورت مکرر اتفاق می‌افتد ولی آنچه

در این بحث برای ما حائز اهمیت است رجوع و بازگشت انسان به سوی دنیا به خاطر اعمال زشت یا خوب او میباشد قبل از رخداد قیامت، رجعت ارمغان و هدیه و تولدی است از سوی خدا برای مؤمنانی که در عقیده خود به درجه‌ی، یقین که همان تصدیق و عمل به احکام دین است رسیده‌اند.

در اصل گروهی از مؤمنان خالص که در مسیر تکامل معنوی با موانعی در زندگی خود روبه‌رو شده‌اند و تکامل آنها ناتمام مانده است از طریق بازگشت مجدد به این جهان مسیر تکامل خود را طی میکنند و ناظر حکومت و وقایع بعد از آن در زمان حضرت میباشند عده‌ای از جباران هم باز میگردند تا به مجازاتهای خود برسند که این امر جز با رجعت محقق نمیشود البته علاوه بر کیفری که به صورت خاص در رستاخیز میبینند همچنین از آن جا که هر مقاله دارای یک سوال اصلی میباشد که سوالات فرعی در محور سوال اصلی قرار میگیرند سوال اصلی این رساله عبارت است از اینکه آیا اعتقاد به رجعت امری ضروری است؟

رجعت از ضروریات مذهب و مکتب تشیع، است اعتقاد به رجعت از اصول دین نیست و معتقد نبودن به آن موجب کفر و خروج از دین نیست بلکه از اصول مذهب امامیه است به طوری که اعتقاد به اصل رجعت گروهی از مؤمنان، و، کافران به دنیا پیش از قیامت ضروری است هر چند باور داشتن به جزئیات مسائلی که در رجعت اتفاق میافتد لازم و ضروری نیست اعتقاد به این مسأله از طریق آیات و روایات و... به اثبات رسیده است.

یکی از دلایل ضروری انتخاب این موضوع علاوه بر علاقه شخصی خویش، عدم اطلاع کافی مردم در زمینه رجعت و تصورات اشتباهی که از موضوع رجعت در ذهن خود داشته‌اند و رجعت و ظهور را تقریباً یک مسأله میدانستند بوده است رجعت یکی از وقایع مهمی است که بعد از ظهور رخ میدهد و زمان آن هنگام ظهور است نه قبل و نه بعد از ظهور در همان هنگام است که برخی پیامبران الهی و ائمه اطهار (ع) و مومنان صالح به دنیا بر میگردند تا شاهد اعتلای کلمه اسلام در روی زمین باشند.

از این رو میبینیم که کتب بسیاری در بررسی عقیده رجعت و نفی شبهات وارد پیرامون، آن نگاشته و هرگاه مخالفان و منکران حمله^۱ خویش را زیاده‌تر کرده‌اند، اینان نیز بر شمار نوشته‌های علمی خود افزوده و چون مشعلهایی فروزان به روشننگری و هدایت پویندگان راه حق و جویندگان زلال معرفت پرداخته‌اند.

برخی چنین پنداشته‌اند که ظهور حضرت مهدی (عج) پس از غیبت همان رجعت میباشد در حالی که چنین نیست زیرا غیبت از نظر شیعه زندگی آن حضرت است در جهان مادی، به صورت ناشناخته اما رجعت به معنی زنده شدن گروهی از مؤمنان و کافران و بازگشت آنها به دنیا اشتباه این دو واقعه باعث نمیشود این دو رویداد مستقل را یکی بدانیم هر چند که پیوند زمانی میان آنان باشد و این اشتباه ملاک انتخاب موضوع بنده می‌باشد.

مفهوم رجعت

رجعت به معنای بازگشت میباشد و در اصطلاح به بازگشت گروهی از مردگان به این جهان هم زمان با قیام جهانی مهدی (عج) گفته میشود و طبعاً بازگشت این گروه قبل از فرار رسیدن رستاخیز خواهد بود روی این اصل گاهی از رجعت در شمار رویدادهای قبل از قیامت یاد میشود و گاهی در زمره حوادث مربوط به ظهور مهدی موعود (عج) مذکور میگردد.

ولی باید دانست که مسأله رجعت از دیدگاه شیعه رویدادی است مستقل از دو موضوع یاد شده (قیامت و ظهور حضرت مهدی (عج))، اگر چه بین هر سه موضوع پیوند زمانی برقرار است.

محدث گرانقدر شیعی شیخ حر عاملی (ره) مینویسد: «مراد از رجعت در نزد ما همانا زندگی بعد از مرگ و پیش از قیامت است و همین معنی است که از لفظ رجعت به ذهن خطور میکند و دانشمندان بر آن تصریح کرده اند» (شیخ حر عاملی، الايقاظ من الهجعة فی البرهان علی الرجعة، ج ۱، ص ۹)

فقیه و متکلم توانای شیعی شیخ مفید (ره) میفرماید: «خداوند شماری از امت محمد (ص) را بعد از مرگشان و پیش از برپایی قیامت بر می‌انگیزد و این اختصاصات مذهب آل محمد (ص) میباشد و قرآن بر درستی آن گواهی میدهد. (شیخ مفید، المسائل السروية 1393، ج ۱، ص ۹)

دانشمند متبحر سید مرتضی علم الهدی (ره) پیرامون رجعت مینویسد:

«عقیده شیعه امامیه چنین است که خداوند متعال به هنگام ظهور امام زمان (عج) گروهی از شیعیان را که پیش از قیام آن حضرت از دنیا رفته اند به دنیا باز میگرداند تا آنان به پاداش یاوری و همراهی و درک حکومت آن وجود مقدس نائل آیند و نیز برخی از دشمنان حضرتش را زنده میکند تا از ایشان انتقام گیرد بدین ترتیب که آشکاری حق و بلندی مرتبت پیروان حق را بنگرند و اندوهگین شوند. (محمد باقر مجلسی، بحارالانوار 1270، ج ۱، ص 10)

امکان وقوع رجعت

رجعت یکی از امور خارق العاده جهان هستی است؛ البته خارق العاده بودن همانند دیگر اسرار و شگفتی های این عالم نباید موجب نفی و تردید در حقیقت امر شود؛ زیرا خداوند قادر، حکیم نظام هستی را بر اساس مصلحت و غایت و هدفی قوام داده و همه چیز درید قدرت او است.

امکان وقوع رجعت از دیدگاه عقلی

تمام ادله عقلیه ای که بر حیات مجدد انسان در قیامت به شکل جسمانی دلالت دارند میتوانند دلیل بر امکان رجعت نیز باشند و لذا رجعت انسان‌ها از دیدگاه عقل، محتاج به دلیل مستقلى نیست و ادله عقلیه معاد، جسمانی در این جا نیز جاری است و البته خداوندی که بشر را از چکیده گل خلق کرده قادر بر زنده نمودن آن بکرات چه در قیامت و چه قبل از آن می باشد.

طبعاً کسی که به قدرت برتر الهی از سویی و به روز جزا و حضور در عرصه محشر، از سوی دیگر اعتقاد دارد نمیتواند منکر رجعت شود؛ به ویژه آنکه رجعت و معاد از یک سنخ بوده و دلیلی هم بر انکار و نفی آن نداریم بلکه بنا بر اعتقاد یک فرد مسلمان روح انسان، عیناً در کالبد او حلول میکند؛ چرا که اگر از یک بدن به بدن دیگری که جدای از اولی است انتقال یابد چه روح داشته باشد و چه روح نداشته باشد در هر دو صورت امر محالی است زیرا موجب کثرت واحد و بازگشت شیء از فعل به قوه می شود.

سید مرتضی (ره) مینویسد: «دلیل بر اثبات رجعت این است که هیچ عاقلی، تردید ندارد که خداوند بزرگ قدرت زنده گردانیدن مردمی در پایان روزگار را دارد و این معنی به رجعت بازمی گردد» (محمدباقر مجلسی، بحارالانوار 1270، ج ۵۳، ص ۱۳۸)

روشن است که زنده بودن بدن انسان به واسطه تعلق روح به بدن مادی است. همچنانکه مرده شدن بدن انسانی بواسطه بیرون رفتن روح و قطع تعلق خود از جسم مادی انسان است بنابراین ساختمان وجودی انسان زنده از دو چیز جسم مادی و روح جاودان تشکیل شده است و این روح چون غیر از بدن است پس باید مادی نباشد و الا جز بدن میشد به جدای از آن .

پس وقتی انسان‌ها به دنیا می آیند روح به بدن آنها تعلق گرفته و این تعلق روح به بدن امری ممکن است و اگر ممکن نمی بود در اول، امر تعلق به بدن نمیگرفت و وقتی ممکن شد محال، نیست لذا محال نیست بار دیگر نیز روح به جسم تعلق بگیرد.

پس عقل امکان وقوع معاد را ضروری میداند و باید دانست که معاد بازگشت روح به بدن مادی خواهد بود و چون چنین بازگشتی در آن مقطع زمانی مقرون به اشکال نبوده و محال نیست طبعاً بازگشت روح به بدن در این جهان قبل از قیامت مقرون به اشکال نخواهد بود زیرا امری که محال است در هیچ زمانی انجام پذیر نیست. البته وقوع هر امری بهترین دلیل امکان او است در نظر عقل و در تاریخ بشر بارها مسأله‌ی بازگشت به دنیا اتفاق افتاده لذا جای شک و شبهه ای برای عقل باقی نمی ماند.

امکان وقوع رجعت از دیدگاه نقلی (آیات قرآن کریم)

از دلایل نقلی اثبات رجعت آیات قرآن کریم است که تعداد زیادی از آیات قرآن کریم طبق تفسیر ائمه اطهار (ع) و علماء و بزرگان بر رجعت دلالت میکند که بررسی چند نمونه اکتفا میکنیم :

الف: «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ» (بقره، ۲۱۰)؛ آیا اینان باز منتظرند خداوند و ملائک در سایه ی ابرها به سویشان بیایند و برهان تازهای بیاورند در حالی که همه چیز انجام شده و همه کارها به سوی خداوند باز می میگردد»

این آیه در روایات به قیامت، ظهور امام (عج) و رجعت تفسیر شده است ، علامه طباطبایی در (تفسیر المیزان جلد ۲ صفحه ۱۲۳) میفرماید: رجعت از مراتب قیامت است ولی به واسطه وجود شر و فساد در آن، فی الجمله دون قیامت محسوب می شود و روز ظهور امام عصر (عج) نیز دون رجعت می باشد هر چند حق در آن به تهامه ظاهر گردد و اتحاد حقیقی این سه روز و اختلاف آنها به حسب مراتب باعث شده است ائمه (علیهم السلام) برخی آیات را گاهی به قیامت یا رجعت یا ظهور تفسیر نمایند.

ب: «وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ» (نمل، ۸۲)؛ هنگامی که فرمان عذاب رسد و در آستانه قیامت جنبنده ای از زمین برای آنها خارج کنیم که با آنها سخن گوید و می گوید مردم به آیات ما ایمان نمی آورند»

در این آیه سخن از جنبنده های به میان آمده است که در آستانه قیامت با اهل عذاب سخن می گوید.

در این که این حادثه مربوط به قیامت نیست شکی وجود ندارد، چون بحث از ایمان نیاوردن این عده است و آن زمانی صحیح است که آوردن ایمان فایده ای داشته باشد. اما آن جنبنده چه کسی است؟ «حذیفه» از پیامبر نقل میکند که فرمود: وی بر پیشانی مؤمن و کافر مهر مینهد و آنها را از هم متمایز میسازد. (طبرسی، تفسیرمجمع البیان، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۲۳۴)

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه شریفه میفرماید مردی به عمار یاسر گفت: آیه ای در قرآن است که فکر مرا پریشان نموده است سپس همین آیه را تلاوت نمود و گفت: منظور از دابة الارض چیست؟ عمار گفت: به خدا سوگند من بر زمین نمینشینم و طعامی نمیخورم و آبی نمینوشم تا دابة الارض را به تو نشان دهم سپس همراه وی به حضور حضرت امیر (علیه السلام) آمدند حضرت مشغول طعام بود و به عمار تعارف کرد عمار نشست خورد مرد حیران شد، وقتی عمار برخاست و با حضرت خداحافظی کرد مرد به وی گفت: تو سوگند خوردی که دابة الارض را به من نشان دهی عمار پاسخ داد اگر درک میکردی من او را به تو نشان دادم.

علامه طباطبای روایتی را از تفسیر قمی در این باره نقل می فرماید که خلاصه آن چنین است:

را از آدم تا خاتم به دنیا بر میگرداند تا همگی به پیامبر اسلام (صلی الله علیه وسلم) ایمان آورده و به علی (ع) کمک نمایند.

راوی سؤال کرد که کمک و یاری رساندن به علی (علیه السلام) چه معنا دارد؟ حضرت فرمود: در رکاب علی (علیه السلام) و در پیشاپیش او می‌جنگند. (مجلسی، بحار النوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳)

در واقع حضرت در تأویل آیه فرمود: خداوند از همه انبیاء میثاق گرفته که به پیامبر (ص) ایمان بیاورند و به علی (علیه السلام) کمک رسانند و این در زمان رجعت پیامبر و علی (علیه السلام) است و خود حضرت علی (علیه السلام) به این مسأله اشاره کرده و فرموده که من صاحب رجعات و کرات هستم و چندین رجعت دارم. (همان)

از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند: آیا رجعت صحیح است؟ فرمود: آری گفتند: نخستین کسی که می‌آید و رجعت میکند کیست؟ فرمود: حسین (علیه السلام) است که بعد از ظهور قائم (عج) می‌آید، گفتند: آیا همه مردم با او می‌آیند؟ فرمود: نه بلکه چنان است که خدا می‌فرماید: «يَوْمَ يَنْفُخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا» مردمی بعد از مردمی می‌آیند، و سپس فرمود: امام حسین (علیه السلام) با یارانش که با وی کشته شدند، در حالی که هفتاد پیغمبری که با حضرت موسی بن عمران (علیه السلام) برانگیخته شدند با اوست به دنیا بازگشت می‌نمایند قائم (علیه السلام) انگشتر خود را به امام حسین (علیه السلام) میدهد و... (همان)

جابر بن یزید جعفری نقل میکند که امام صادق (علیه السلام) فرمود: «امیرالمؤمنین (علیه السلام) را با فرزندش حسین (ع) در زمین رجعتی، است وی با پرچم خود می‌آید تا اینکه انتقام خود را از بنی امیه و معاویه و اولاد معاویه و آنها که همراه آنان به جنگ آن حضرت آمده اند بگیرد... (همان)

به هر حال روایاتی که در مورد رجعت امیرالمؤمنین و امام حسین (علیه السلام) از طرق اهل بیت (علیهم السلام) صادر شده بسیار است که در بالا به بعضی از آنها اشاره شد. اما چیزی که هست مسأله رجعت از اموری است که تصور آن هم برای عموم مردم سخت است تا چه رسد به تصدیق و قبول کردن آن و از همین رو است که بعضی از امامان (علیهم السلام) غالباً برای اظهار وقوع رجعت، سوگند خورده اند و بر رجعت انبیاء و امامان (ع) از حد اشاره گذرانده و تصریح کرده اند تا اینکه برای عموم مردم و بلکه برای بعضی از دانشمندان و محدثین و خواصی که ممکن است عجیب و بعید بودن رجعت به دلشان خطور کند، هیچ شک و تردیدی در اصل وقوع و خصوصیات رجعت باقی نماند و از همین رو است که برای حتمی و قطعی بودن آن به آیه: «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعَلَمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ» (یونس، ۳۹)

متمسک شده و آن را شاهد آورده‌اند و نیز به ما آموخته‌اند که در زیارت امامان معصوم (علیه السلام) با تأکید بر واقع شدن مسأله رجعت بگوییم: «به رجعت شما معترفیم و هیچ قدرتی برای خدا را انکار نمی‌کنیم» یا بگوییم: «وقوع چیزی جز آنچه خدا بخواهد به گمان ما نرسد» و شبیه به این حرف‌ها.

بنابراین آنچه از روایاتی که گفته شد و روایاتی که در مورد رجعت ذکر شده چنین بر می آید که خدای تعالی قصد نابود کردن سریع جهان و بلافاصله برپا کردن قیامت و حشر خلائق را ندارد بلکه به عکس بنای آن ذات مقدس این است که جهان باقی باشد و بر خلاف زمانهای پیشین عدالت برپا شود و ایمان و توحید برقرار باشد و ادامه پیدا کند.

از آنجا که اراده خدای تعالی و بنای او بر این نیست که زمین از حجت خالی باشد ناگزیر باید قبل از قیامت و برپا شدن عدل کلی الهی در جهان آخرت، حجت‌های الهی - صلوات الله علیهم اجمعین - رجعت کنند و در بین رجعت کنندگان حکومت نمایند و دلهای آنان و شیعیان‌شان را آرامش و تسلی بخشند.

شبهاتی در مورد رجعت

۱- بدن مثالی

برخی گفته اند شاید در رجعت روح به یک بدن مثالی وارد می شود. در پاسخ می گوییم: اولاً این نوعی تناسخ است که باطل و محال است، ثانیاً بر خلاف صریح اخبار، است ثالثاً بر خلاف اجماع، است رابعاً آن بدن مثالی گناهی نکرده تا مجازات آن در مورد رجعت بدکاران جایز باشد (شیخ حر عاملی، الایقاظ، ۱۳۶۲، ص ۴۲۷)

2- ابوالقاسم بلخی می گوید: رجعت جایز نیست؛ زیرا اگر مردم بدانند که رجعت هست، در گناهان غوطه ورمی شوند به امید این که در رجعت توبه کنند.

در پاسخ این شبهه مرحوم طبرسی می فرماید:

آنان که به رجعت عقیده دارند نمی گویند که همه مردم رجعت می کنند، بلکه می گویند گروهی از مردم بر میگردند و لذا هر کسی که احتمال میدهد جزء رجعت کنندگان، نباشد نمی تواند به امید رجعت از توبه صرف نظر کند. (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۳۸، ج ۱، ص ۱۱۵) به عنوان جواب نقضی میتوانیم بگوییم اگر با این احتمال میتوان رجعت را غیر مجاز اعلام کرد در مورد توبه و شفاعت و امثال آنها نیز میتوان گفت که این ها موجب ارتکاب گناه میشوند و لذا مجاز نیستند.

3- بطلان رستاخیز

برخی گفته اند اگر رجعت حتمی، باشد باید رستاخیز باطل شود؛ زیرا مجرمین در رجعت مجازات میشوند و دیگر نیازی به روز قیامت نمی ماند

در پاسخ میگوییم در مورد حدود شرعی هم همین اشکال لازم می آید؛ اگر مجرم را حد شرعی - بزنند قصاص کنند و در همین دنیا مجازات نمایند - پس نیازی به قیامت از بین می رود ولی این طور نیست؛ عذاب و

انتقام دنیا؛ جای عقاب آخرت را نمی گیرد کسانی که استحقاق دارند که در دوزخ مخلد باشند اگر در رجعت برگردند و با وسایل دنیوی مجازات شوند این مجازات حتی به اندازه یک دقیقه آتش جهنم دردآور نیست مجازات مجرمین در این دنیا به عنوان سزای اعمال نیست بلکه به عنوان تشفی خاطر مومنان است و اما سزای کامل آنها به آخرت می ماند.

نتیجه گیری

نتایج تحقیق حاکی از آن است که اعتقاد به رجعت یک اصل مهم اسلامی است که از زمان صدر اسلام در احادیث منقول از پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) شروع شده و تا غیبت کبری رسیده است. همچنین مسئله رجعت از ضروریات مکتب تشیع است که امکان وقوع آن از طریق عقل و آیات و روایات اثبات شد و با توجه به آنچه در متن آمده می توان گفت: رجعت بازگشتی است برای گروهی از انسان ها که مقارن با قیام امام عصر (عج) قبل از برپایی رستاخیز می باشد و رجعت امری است ممکن و امتناع عقلی ندارد و قرآن به درستی اعتقاد به رجعت گواهی می دهد و همچنین نمونه هایی از بازگشت به دنیا در امت های پیشین را گزارش می کند.

با توجه به روایات چنین برمی آید که خداوند متعال قصد نابود کردن سریع جهان و بلافاصله برپا کردن قیامت و حشر خلایق را ندارد بلکه به عکس بنای ذات مقدس این است که جهان باقی باشد بر خلاف زمان های پیشین عدالت برپا شود و ایمان و توحید توسط حجت هایش که رجعت می کنند (پیامبران و ائمه علیهم السلام) برقرار شود و ادامه پیدا کند فرمان این واقعه توسط خداوند می باشد و در آن هنگام حضرت (عج) از مکه ظهور می کند و حکومتش در تمام نواحی جهان گسترده می شود .

منابع

قرآن کریم

مفاتیح الجنان

۱- اشتهاوردی، محمد، حضرت مهدی (عج) فروغ تابان ولایت، قم انتشارات جمکران، بهار ۱۳۷۸

۲- اصفهانی، خروشانی، نعمت الله، غالیان کاوشی در جریان های پایان سده سوم چاپ اول ۱۳۷۸ موسسه چاپ آستان قدس رضوی.

۳- انصاری، عبد الرحمن، در انتظار خورشید ولایت، ناشر مولف، چاپ اول، دی ۱۳۸۲

۴- حسینی، سید عبدالله، داستان هایی از بازگشت ائمه (علیهم السلام) به دنیا، قم، انتشارات مهدی یار، زمستان

۷۹

۵- خادمی شیرازی، محمد، رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی، تهران ناشر نشر تبلیغ، سال نشر ۱۴۰۶

۶- ری شهری، محمد، منتخب المیزان، ج ۱، تلخیص سید حمید حسینی

۱۳۸۲

- ۷- رضوی، سید جواد، سیمای حضرت مهدی در قرآن و روایات، ناشر موعود اسلام، چ شریعت ۱۳۸۳
- ۸- صارمی، حسن، رجعت از دیدگاه عقل و قرآن و حدیث، چاپ اول، انتشارات اسلامی ۱۳۶۵
- ۹- ضمیری، محمدرضا، رجعت، قم، ناشر انتشارات موعود چاپ دوم ۱۳۸۰
- ۱۰- طبسی، نجم الدین، رجعت از نظر شیعه، قم، ناشر مولف، بی نا بی تا، چاپ اول ۱۴۰۰ هجری
- ۱۱- عمید، حسن، فرهنگ عمید، چ ۱۷، تهران، انتشارات امیر کبیر ۱۳۶۱
- ۱۲- عاملی (ره)، شیخ حر، ایقاظ من الهجعة با البرهان علی الرجعت، با ترجمه فارسی انتشارات موسسه سید معصومه ۱۳۸
- ۱۳- غضنفری، علی، ره رستگاری، ج ۳، انتشارات لاهیجی، چاپ دفتر تبلیغات اسلامی، سال ۱۳۸۲
- ۱۴- فاطمیان، علی، نشانه های پایان، چاپ اول، تابستان ۸۱
- ۱۵- قمی، علی ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، نجف، مکتبه الهدی، ۱۳۷۸ هـ
- ۱۶- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، قم، چاپ دوم انتشارات اسوه ۱۳۷۰
- ۱۷- مجلسی، محمد باقر، مهدی موعود، ج ۲ مترجم حسن ابن محمد ولی ارومیه ای، قم، چاپ پنجم، انتشارات مسجد مقدس جمکران
- ۱۸- موسوی کاشانی، سید محمد حسن، جهان در آینده علائم ظهور حضرت مهدی (عج) چاپ اول، مهر ۱۳۷۰
- ۱۹- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۳، ناشر کتاب فروشی اسلامی
- ۲۰- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تاریخ نشر ۱۳۸۰ ناشر دارالکتب الاسلامیه